

اخبار مسائل زندگی و مبارزه کارگران در این هفته

***افزایش قیمت بنزین یک تهاجم جدید به سطح معیشت و زندگی کارگران و مردم**

است

***کارگران نساجی به اعتراض ادامه میدهند!**

***مرگ کارگران در اثر فقر و بی سر پناهی قتل عمد است!**

***به جای پرداخت بیمه بیکاری به کارگران، ۱۶۴ هزار سرمایه دار و کارفرما وام ۳**

میلیونی گرفتند!

***داستان تباهی زندگی یک کارگر زن کارخانه بسته بندی ماکارونی در لباس مردانه**

***تغییرات قانون کار در بخش مربوط به کارگران کارگاههای کوچک زیر ۱۰ نفر**

چیست؟

مهرنوش موسوی Mehrnousch@aol.com

افزایش قیمت بنزین یک تهاجم جدید به سطح معیشت و زندگی کارگران و مردم است

در نشست ۲ روز پیش، مجلس اسلامی مقرر کرد که مالیات و عوارض بنزین ۲۰ درصد قیمت مصوب فروش آن از ابتدای سال آینده تعیین شود.

قیمت بنزین در این صورت و عملاً با توجه به حق ۱۰ درصدی افزایش قیمت های حامل انرژی سالیانه دولت که در مفاد دوم برنامه سوم پیش بینی شده عملاً ۳۰ درصد افزایش می یابد و تازه اگر با تحقق منطبق کردن قیمت بنزین با قیمت سایر کشورهای منطقه همانگونه که برخی از نمایندگان مجلس بر آن پافشاری میکنند توأم نباشد. تا همین جا ارقامی مثل لیتری ۶۶ تومان تا حتی ۲۰۰ تومان نیز از زبان نمایندگان دولت به رسانه ها تسری داده شده است.

در همین رابطه گفته شده است که عوارض نفت سفید گاز هم ۱۰ درصد و نفت کوره ۵ درصد افزایش خواهد داشت.

اینکه از اوائل سال جدید چقدر قیمتها و بویژه قیمت بنزین و نفت و گاز افزایش پیدا میکند حتماً تا آن موقع معلوم و مشخص میشود، ولی مهم این است که این تهاجم از همین هفته آغاز شده است و طبق سنت بازار ایران از زمانی که این بحث به وسط جامعه کشیده شده است از قیمت ماکارونی تا تاکسی و مسافرکشی عملاً تغییر یافته است.

این حمله ای مضاف بر حمله سنتی دولت و دست و پاهای آن در بازار برای افزایش قیمت‌ها و بالا بردن تورم و پایین آوردن سطح زندگی و معیشت مردم در آستانه عید هر سال است. افزایش این چینی قیمت بنزین به فوریت آثار و عوارض فلاکت‌بار خود را به کلیه شئون زندگی اقتصادی کارگران که هم اکنون هم در ورطه فقر و نداری در جدال به سر می‌برند تسری می‌دهد. این دور دیگری از تباهی را به مردم تحمیل می‌کند. از هم اکنون گفته شده است که بنزین جیره بندی می‌شود. از قیمت نان، تا تاکسی و سبزی و گوشت و ... تصاعدی بالا خواهد رفت.

بدون تردید در جمعها و محافل کارگری این بحث و راه مقابله با آن به راه افتاده است.

آیا بر علیه این به اصطلاح «شوک اجتماعی» آنگونه که حتی مقامات حکومت نیز مجبور به توصیف آن شده اند کارگران نفت میتوانند به میدان آمده و اهرمی در مقابله این دور جدید تهاجم دولت باشند؟ مهمترین مطالبات و خواسته‌های کارگران در مقابله با این تهاجم چیست؟

کارگران نساجی به اعتراض ادامه میدهند!

بیش از ۱۵۰ کارگر کارخانه نساجی طبرستان قائم شهر به خاطر بلاتکلیفی و اعتراض به عدم دریافت چند ماه حقوق در محل تشکیلات خانه کارگر مازندران اجتماع کردند.

در این تجمع اعتراضی کارگران به عدم پرداخت ۵ ماه از دستمزدهای خود و شرایط سخت زندگی و معیشت اعتراض نمودند. کارگران گفتند که کسی پاسخگوی درد و رنج ما نیست. و اگر این بیتوجهی همچنان ادامه یابد این مشکلات سرانجام به نابودی صدها و هزاران خانواده کارگر منجر خواهد شد.

در این اجتماع همچنین کارگران معترض مخالف هر گونه تعطیلی نساجی بوده و از مسئولان خواستند که بیش از این کارگران را قربانی سیاستهای نادرست اقتصادی خود نکنند. کارگران خواستار استعفا و برکناری نمایندگان رژیم اسلامی به نام «مسئولان کارگری» استان مازندران شدند. شیدالله مهدوی قائم مقام خانه کارگر استان مازندران که هدفی جز ساکت کردن کارگران و دفاع از جمهوری اسلامی نداشت با حضور در تجمع کارگران معترض نساجی طبرستان با ارائه گزارشی از اقدامات و تلاشهای نهادهای کارگری تلاش کرد علت بیچارگی کارگران را فقط به گردن سیاستهای غلط اقتصادی و مدیریت کارخانه بیندازد.

لازم به توضیح است که در سالهای اخیر صنایع نساجی ایران را بحرانی عمیق فراگرفته است که تاوان آن را به هر دلیلی که این صنایع با آن مواجه شده است کارگران و خانواده هایشان میدهند. در همین رابطه و در دفاع از حق حیات و زندگی کارگران است که نه فقط در مازندران بلکه در شهرهای دیگر و از جمله در صنایع نساجی اصفهان نیز ما بارها و بارها شاهد اعتراضات و مبارزات پرشوری بوده ایم. در این باره رادیوی حزب کمونیست کارگری و نشریات و اوراق تبلیغی آن بارها یادآور شده اند که مهمترین مطالبات کارگران نساجی، طرح خواستهایی است که بار بحران اقتصادی و رکود این صنایع را بر دوش خود دولت و کارفرمایان به جای کارگران می اندازد. بیمه بیکاری مکفی اولین خواست کارگران برای جلوگیری از نابودی و تباهی جسمی و روحی آنها در اثر اخراج و پرت کردن آنها

به خیابان است. سرمایه داران و دولتشان باید تاوان بحران و فلج اقتصادی و رکود و مشکلات تولیدشان را بدهند. از نظر کمونیستها و کارگران تأمین رفاه و زندگی کارگران اصل و اساس مناسبات اقتصادی جامعه باید باشد.

کارگران برای بهبود وضعیت زندگی خود و هم طبقه ایهایشان در مبارزه برای نقد کردن فوری خواستههای رفاهی خود باید خواستار برکناری و سرنگونی دولتی شوند که نفس وجود و حیات او در جامعه ایران این فقر و فلاکت بیسابقه را موجب شده است. جنبش مبارزه علیه فقر و فلاکت کارگران یک جزء جدایی ناپذیر مبارزه مردم علیه وضع موجود و برای تغییر آن است.

مرگ کارگران در اثر فقر و بی سرپناهی قتل عمد است !

با شروع فصل سرما و بی سرپناهی و نبود امکانات رفاهی هم در محل زندگی و هم در محل کار، هر ساله تعداد زیادی از کارگران ایران قربانی و تلف میشوند. اخبار روزنامه های رژیم در این هفته به چند مورد آن اشاره میکنند که بسیار تأسف بار و تکان دهنده است.

بنا به اخبار در روز ۱۹ آذر ماه تنها در شرق تهران ۶ کارگر جوان در اثر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند. در جوادیه تهرانپارس سید رضا امامی ۲۰ ساله، رضا باقری ۲۴ ساله و علیرضا باقری ۲۳ ساله از توابع اصفهان که برای کار به تهران آمده بودند برای اینکه خود را گرم کنند مبادرت به استفاده از اجاق خوراک پزی میکنند که با انتشار گاز دقایقی بعد متأسفانه جان خود را از دست میدهند. در مورد بعدی در بزرگراه رسالت ۳ کارگر جوان دیگر در حادثه مشابهی برای گرم کردن خودشان در یک آلونک، جان خودشان را بر اثر خفگی گاز از دست میدهند.

بنا به خبر روزنامه اعتماد اجساد دو کارگر جوان افغانی نیز در پی گازگرفتگی در یک ساختمان نیمه کاره در روز یکشنبه کشف شده است که آنها نیز برای گرم کردن اتاق خود اجاق گاز روشن کرده بودند. حمدالله و مرتضی نیز به خاطر گاز گرفتگی قربانی فقر و بی حقوقی شدند. روزنامه اعتماد نوشت که علاوه بر آنها روز جمعه نیز ۲ کارگر دیگر قربانی و در اثر گاز خفه شدند.

علت جان باختن کارگران به این دلیل ساده است که آنها مجبوراً میخواستند به این وسیله خود را گرم کنند. علت این امر فقر تحمیلی و بی سرپناهی و عدم رفاه و برخورداری از یک زندگی در شأن انسان است. مسبب این کشتار کارگری، نظام سرمایه داری و رژیم اسلامی در ایران است. این نظام سرمایه داری مزدی است که در آن زندگی و رفاه کارگران بدون ارزش است. تنها چیزی که برای سرمایه داران و دولتشان مهم و با ارزش است اقتدار سرمایه و حکومتهای جنایتکار خود آنهاست. و مادام که نظام سرمایه داری بر حیات انسان حاکم است، مادام که کارگر فقط مزدبگیر است و بس، بار فقر و فلاکت را به دوش او و با تحمل چنین مصائبی می اندازند. این قتل عمد است. دریغ کردن رفاه و حق برخورداری از یک زندگی انسانی از مردم باعث قربانی شدن و تباهی جسمی و روحی طبقه ماست و مسئولیت مستقیم قربانی شدن، درگذشت و از بین رفتن کارگران بر دوش جمهوری

به جای پرداخت بیمه بیکاری به کارگران، ۱۶۴ هزار سرمایه دار و کارفرما وام ۳

میلیونی گرفتند!

گروه اقتصادی معاون برنامه ریزی و سیاستگذاری اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی گفت که با اجرای طرح ضربتی اشتغال تا کنون ۱۶۴ هزار و ۳۰۱ کارفرما موفق به دریافت وام ۳۰ میلیون ریالی اشتغال شدند.

دکتر مصدق بختیاری طرح ضربتی اشتغال را موفقیت آمیز خواند. بنا بر گزارش ایرنا بر اساس این طرح ضربتی اشتغال، صاحبان کارگاههای کوچک به شرط جذب یک نیروی معرفی شده از سوی ادارات کار میتوانند از سوی ادارات کار ۳۰ میلیون ریال تسهیلات بانکی با بهره ۴ درصد استفاده کنند.

بله معلوم است که این طرح از جانب آنها موفقیت آمیز هم خوانده شود. این کارگر است که بیکار و اخراج شده، دستمزدش به وسیله همین جنابان کارفرمایان و دولتشان به گروگان گرفته شده، فقر و فلاکت بیسابقه و گرانی و نبود امکانات اولیه زندگی باعث تباهی زندگیشان شده است و این در حالی است که دولت به جای پرداخت بیمه بیکاری به کارگر بیکار، به سرمایه دار و کارخانه دار وام میدهند و تسهیلات بوجود می آورند که لطف نموده، اشتغال ایجاد کند و از صبح تا شب از گرده کارگر سود بکشد و در بهترین حالت آن به ارزانتترین وجه ممکن است شمار کند.. بگذریم که چرخ اقتصاد جامعه را تا زمانی که یک رژیم اسلامی بر ایران حاکم است نمیتوان با این شعبده بازیها به حرکت درآورد و ثمره آن تا کنون و بنا به گزارشات متعدد اینگونه توصیف نموده اند که کارفرمایان برای گرفتن چندین و چند باره این وام به کارگران شناسنامه و کارت اشتغال دروغی و جعلی داده و در ازای آن پول کمی پرداخت کرده و با این کارتها چندین باره باز هم وام «اشتغال» به جیب میزنند.

داستان تباهی زندگی یک کارگر زن کارخانه بسته بندی ماکارونی در لباس مردانه

اسمش کبری است ولی در رباط کریم تهران او را بهزاد صدا میزنند. لباس مردانه را با حرکات ماهرانه خود چنان موزون کرده بود که تا قبل از دستگیریش کمتر کسی از او شناخته و جنسیتش را تشخیص میداد. به جرم قماربازی دستگیر شده و اعتراف میکند که چگونه به این دام افتاده است.

در روزنامه آفرینش چنین گفته است: « من دختری ۲۵ ساله می باشم که در خانواده ای پر جمعیت که دارای مشکلات شدید مالی است زندگی میکنم. پدرم فلج است و سه خواهر در خانه دارم که یکی از آنها ازدواج کرده و اکنون طلاق گرفته و دارای ۴ فرزند نیز می باشد و ۳ برادر نیز دارم که همگی آنها معتاد و خلافکار می باشند و هر وقت پول توجیبی شان تمام میشود به سراغ ما می

آیند در غیر این صورت برای آنها خانواده هیچ اهمیتی ندارد و از ما یادی نمیکنند. از طرفی نامادریم هم قوز بالا قوز شده و فرزندان او هم از جای دیگر ما را کلافه کرده اند. من خودم تا ۳ الی ۴ ماه پیش در یک کارخانه بسته بندی ماکارونی کار میکردم و تا حدودی از عهده مخارج خانه برمی آمدم تا اینکه یکی از روزها یکی از برادرانم به محل کار من آمد و آبروریزی بزرگی به بار آورد طوری که من دیگر روی برگشتن به محل کارم را نداشتم و در واقع هر جا که مشغول کار میشدم این برنامه تکرار میشد.

به هر دری که میزدم کاری پیدا نمیکردم و اگر کاری هم بود درآمد چندانی نداشت که بتوانم مخارج زندگی را تأمین نمایم. در این مدت بیکاری مثل گرگ دریده شده و هیچ امیدی به زندگی نداشتم که یک روز ناخودآگاه تصمیم گرفتم در قالب پوشش مردانه به دنبال کار بروم چون آنوقت درآمد بیشتری میتوانستم به دست بیاورم. به قول معروف دل به دریا زدم و وارد عمل شدم و اکنون ۳ ماه است که با همین لباس بساط قمار بازی و خلاف کاری را پهن کردم و تاکنون هم درآمد خوبی داشتم. هر روز با لباس زنانه از منزل خارج و در منزل دیگری که اجاره کرده بودند لباس خود را عوض میکردم و به محل کار میرفتم تا اینکه توسط مأموران دستگیر شدم و اکنون که دستگیر شدم میتوانم بگویم که من فقط به خاطر تأمین مخارج زندگی خود این کار را میکردم و حتی از کرده خود به سختی پشیمان هستم و از خودم خجالت میکشتم.

تغییرات قانون کار در بخش مربوط به کارگران کارگاههای کوچک زیر ۱۰ نفره چیست؟

در اخبار آمده است که بخشی از قانون کار بر اساس پیمان دسته جمعی میان کارفرمایان و کارگران کارگاههای کوچک زیر ۱۰ نفر به زودی تغییر میکند.

در خبری که در روزنامه اعتماد ۴ دسامبر آمده چنین گفته میشود که آیین نامه ماده ۱۹۱ قانون کار جمهوری اسلامی در ارتباط با کارگاههای دارای کمتر از ۱۰ نفر دستخوش تغییرات اساسی میشود.

محمد عطاردیان دبیر کل کانون عالی انجمن صنفی کارفرمایان ایران در گفتگو با خبرنگار اعتماد گفت: «این پیمانی است که بین این کانون با کانون شورای های اسلامی کار در سراسر کشور منعقد شده است. کلیه کارفرمایان و کارگران کارگاههایی که دارای کمتر از ۱۰ کارگر باشند مشمول این پیمان خواهند بود.»

مفاد این تغییرات از زبان عطاردیان از جمله عبارتند از:

«* هرگاه کارگر به تشخیص کارفرما در انجام وظایف محوله قصور ورزد و یا مقررات انضباطی را علیرغم تذکرات کتبی نقض نماید کارفرما حق دارد قرار داد کار را فسخ و علاوه بر مطالبات و حقوق معوق به نسبت هر سال سابقه کار معادل ۶۰ روز حقوق کارگر را به عنوان سنوات پردازد و قرار داد را فسخ نماید. (به بیانی حق اخراج حق کارفرماست. م)

* اگر کارگر مصمم به ترک محل کار باشد، میتواند با اطلاع قبلی و ۱۵ روز مهلت و اعلام فسخ

قرارداد با دریافت مطالبات خود و سی روز مزد به عنوان حق سنوات برای هر سال، با کارفرما تصفیه حساب کند.

* کلیه مقررات مربوط به حق مسکن و خواروبار، عیدی و پاداش، حق اولاد، بن کالاهای اساسی مربوط به کارگران مشمول قانون کار جمهوری اسلامی شامل مشمولان این پیمان نیز میباشد. به کارکنان این قبیل کارها ۱۵ درصد علاوه بر مزد، به عنوان فوق العاده باید پرداخت شود.